

نقش بیمه در فراگرد توسعه اقتصادی

یحیی آل اسحاق

(وزیر بازرگانی)

در شرایطی که ما در ابعاد مختلف در یک مسیر بزرگ تاریخی، برای ایجاد و استمرار تمدن عظیم اسلامی در جهان گام برمی داریم و هر روز در این مسیر، گامهای مان استوارتر و بنیانی تر می شود، وجود چنین محافل علمی و پژوهشی بسیار مفید خواهد بود.

اگر بیمه را نوعی تأمین بدانیم ابتدا باید «تأمین» را به صورت کلی تعریف کنیم. تأمین امور مختلف در جامعه به عهده دولتهاست، مانند ایجاد امنیت از طریق نیروهای انتظامی، تأمین قضایی چنانکه کسی به حقوق دیگری تجاوز نکند، تأمین بهداشت و درمان، تأمین اقتصادی و موارد متعدد دیگر که مهم ترین آن تأمین اقتصادی است. تأمین اقتصادی جایگاه خاص و عظیمی دارد. امنیت اقتصادی جامعه به منزله یکی از اصول تأمین مطرح است و مطمئناً چنانچه در جامعه ای امنیت اقتصادی وجود نداشته باشد، امنیت اجتماعی، فرهنگی و غیره نیز پایدار نخواهد بود.

امنیت اقتصادی یعنی اینکه، فرد فرد مردم بتوانند به تناسب استعداد و تلاش و کوشش خود در بهره برداری از منابع و حضور در صحنه های اقتصادی، آزادانه و بدون ظلم و تعدی به حقوق یکدیگر به فعالیت پردازند و امکان رشد و توسعه پیدا کنند. در چنین جامعه ای است که استعدادها شکوفا می شوند، انگیزه ها رشد می کنند و توسعه اقتصادی به معنای حقیقی متبلور می شود. در محیطی که عدالت اجتماعی وجود دارد، محیط سالم نیز برای رقابت وجود خواهد داشت. امروزه تفاوت کشورهای توسعه یافته و کشورهای توسعه نیافته در زمینه رقابت، بازاریابی و حضور در بازارهای جهانی کاملاً مشهود است. شکل و ساختار به گونه ای است که عملاً میلیونها انسان در حاشیه قرار

دارند و غیبت در بازار، شاخصی برای عقب افتادگی است. دقیقاً به دلیل نوع بافت، رفتار، زد و بندها و امکانات و ارتباطات می‌بینیم که با وجود منابع فراوان، بسیاری از جوامع عقب افتاده‌اند و قشر محدودی بر بیشترین منابع جهان تسلط دارد. کشورهای عقب‌نگه داشته شده و تحت ستم جز با تجمع و پیمانهای منطقه‌ای نمی‌توانند به منافع اقتصادی مورد نظر خود دست یابند.

کشور ما به دلایل مختلف، دارای مزیت‌های فراوانی است، از جمله موقعیت جغرافیایی، منابع و مواد اولیه، نیروی انسانی و غیره و برخوردار از هویت، مدنیت، هنر و تمدن ۳۰۰۰ ساله. بنابراین، در این زمینه‌ها کمبود که نه، بسیار هم غنی هستیم. مسأله، استفاده بهینه از منابع کشور است. چنانچه مدیریتی انحصارگرا بر این منابع حاکمیت کند فضا و بستر برای رشد انسانهای لایق و استفاده از این منابع چگونه میسر خواهد شد. گامهای توسعه در محدوده‌ای تنگ و بسته، بلندتر و استوارتر برداشته می‌شود یا در دشت فراخی که بیشتر افراد جامعه در بخشهای اقتصادی آن گسترده‌اند؟ حرکت به سوی عدالت اجتماعی از کدام مسیر نزدیک‌تر خواهد بود؟ تجربیات جهانی و نظریات علمی و آثاری که از قبل به دست جوامع رسیده ثابت کرده است که اگر انحصار و تصمیم‌گیری در مورد اقتصاد به صورت متمرکز و در جمع بسیار محدودی صورت پذیرد ارتباطات همه تابع آن محدوده خواهد بود و شکوفایی استعدادها و خلاقیتها در حاشیه خواهد ماند. برای دستیابی به توسعه باید این روش را تغییر دهیم. استفاده از منابع و امکانات اقتصادی جامعه، حقوقی اجتماعی است. باید امکان و فرصت استفاده از امکانات برای همه فراهم باشد و حتی واحدهای کوچک بتوانند از امکانات استفاده کنند؛ امکانات ارزی در اختیارشان قرار گیرد و توان رقابت با واحدهای بزرگ را داشته باشند. تا بتوانند محصولاتشان را در بازارها عرضه کنند. اگر ما بخواهیم فقرزدایی کنیم - و البته نه از طریق یارانه - باید قدرت خرید، امکان رقابت و استفاده از تسهیلات و منابع را برای آحاد جامعه و واحدهای کوچک فراهم سازیم و این فراگرد جز در سایه امنیت اقتصادی میسر نخواهد بود.

اساساً در کنار واحدهای بسیار بزرگ و ضروری مانند پتروشیمی که وجودشان ضرورت دارد باید به ایجاد واحدهای کوچک و متوسط نیز اقدام کنیم و برایشان زمینه استفاده از تسهیلات بانکی را فراهم نماییم. هم اکنون که ما در دوران گذار اقتصادی، بسیاری از مشکلات مان را حل کرده‌ایم پتانسیل و امکانات مان به گونه‌ای افتخارآمیز

است که امکان رقابت را برای ما فراهم آورده است. اکنون متطقیاً زمانی است که ما باید در زمینه آزاد سازی در اقتصاد و واگذاری عملی در بخشهای مختلف اقتصادی - البته با نظارت و کنترل دولت نه عاملیت دولت - حرکت کنیم. اقتصاد ما دارای چارچوب و قوانینی است که در آن چارچوب مشخص باید آزادیهای عمل اقتصادی داشته باشیم.

امروزه در جوامع مختلف، ما شاهد رشد و توسعه صادرات هستیم. به هر حال هر جامعه‌ای در حد توانایی خویش تلاشهای وسیعی را در این زمینه آغاز کرده است. در کشور هند پس از اجرای اصلاحات، حجم صادرات از ۱۸ میلیارد دلار به ۴۵ میلیارد دلار رسیده است؛ همین حال و روز در جوامعی نظیر مالزی، اندونزی و ... نیز به چشم می‌خورد. در موردی با وزیر بازرگانی جمهوری کره بحث می‌کردم. وی می‌گفت: «ما امروزه ۱۰۰ میلیارد دلار صادرات داریم. برای سال ۲۰۰۰، دویست میلیارد دلار برنامه‌ریزی صادرات داریم». اگر به سالهای گذشته بازگردیم می‌بینیم که در سال ۱۹۶۵ ما و جمهوری کره حجم مبادلات مان تقریباً یکسان بوده است درحالی که ما امروز در پایان برنامه دوم شادمانیم که حجم صادرات مان را از ۶ میلیارد به ۱۰ میلیارد خواهیم رساند که البته ناممکن هم به نظر می‌رسد. ما باید برخوردی متناسب با زمان اعمال کنیم، آن هم در عمل و نه در شعار. به هر حال جای بسی امیدواری است که طرحهای بسیار خوب و مناسبی در دست داریم که با عمل به آنها می‌توانیم به هدفهای خود برسیم.

و اما نقش بیمه در فراگرد توسعه چیست. بیمه یکی از ابزارهای تأمین اقتصادی است. اگر ما نظام بیمه‌ای را در جهان با تجربه طولانی‌اش بررسی کنیم می‌بینیم که دقیقاً به منظور تأمین بخشهایی از اقتصاد به وجود آمده است. حال اگر در نظر آوریم که تأمین، رکن و اساس بیمه است، به اهمیت جایگاه آن بیشتر پی می‌بریم. بیمه جایگاه بسیار والایی دارد و نقش آن در زمینه‌های مختلف (اقتصاد، امنیت ملی، شجاعت در سرمایه‌گذاری، استفاده بهینه از امکانات، امکان استفاده از منابع کشور، هدایت سرمایه‌ها، استفاده از منابع خارجی و جز آن) کاملاً به چشم می‌خورد. و واقعیت آن است که بیمه را باید ارج نهاد. بعد از انقلاب و به ویژه در زمان جنگ تحمیلی، بیمه منشأ کارهای بزرگی بوده و خدمات بسیار ارزنده‌ای انجام داده است؛ رشد نسبتاً خوبی هم داشته ولی آهنگ آن متناسب اوضاع و احوال کنونی نیست. در واقع یکی از مشکلات ما، جا نیفتادن فرهنگ بیمه در جامعه است. بخشهای مختلف اقتصادی ما، همان‌گونه که

به تأمین منابع، تأمین نیروی انسانی، بازاریابی، به دست آوردن جایگاه مناسب و تکنولوژی لازم توجه می‌کنند باید امر بیمه را نیز یکی از این ارکان بدانند. باید مجدانه به کارهای تبلیغاتی و فرهنگی در زمینه باور جامعه دست یازید. در قشرهای مختلف جامعه این باور باید ایجاد شود که منفعت و صلاح‌شان توجه به بیمه است، که اگر چنین شود، خود به دنبال بیمه خواهند آمد، مقوله بیمه با وجود پرداخت خوب خسارت و رشد مطلوب در حق بیمه‌ها و نظایر آن، هنوز تا جایگاه واقعی خود راه طولانی در پیش دارد. چگونه می‌توان این صنعت را رشد داد. آیا می‌توان با تمرکز و محدودیت این کار را انجام داد. ضرورت گسترش بیمه، آزادسازی است. همگان، همه چیز را می‌دانند در حالی که افراد محدود، پتانسیل محدودی دارند. باید زمینه را فراهم کرد تا نیروها شکوفا شوند و مدیران و صاحب نظران با راهنمایی و ارائه تخصص و اطلاعات خویش بتوانند به راحتی با آزاد کردن انرژی، تحولی در این صنعت پدید آورند. با حفظ سیاستهای کلان، با حفظ حاکمیت، با حفظ هدایت و در چارچوب و قالب مناسب باید حرکت کرد و برای رسیدن به منزلگاه توسعه، آزادی و توان حرکت ایجاد کرد. برای اینکه صنعت بیمه در کشور ما رشد کند چاره‌ای جز آزادسازی نداریم اما باید به زمان بیشتر توجه کنیم و هدایت شده عمل نماییم؛ از نظر قانونی نیز مشکلی نداریم.

مقوله صادرات امروزه در تمامی زمینه‌ها مطرح است. در سطوح ملی و بین‌المللی هیچ صاحب نظر اقتصادی را نمی‌یابید که این نکته را قبول نداشته باشد که حضور در بازارهای جهانی و توسعه صادرات غیرنفتی و نگرش برون مرزی، رکن عمده توسعه است. اگر ما امروز در پی استفاده بهینه از امکانات هستیم، اگر به حل مسأله اشتغال می‌اندیشیم و اگر در پی رشد و توسعه و تحول هستیم، باید برای صادرات غیرنفتی سهم عمده‌ای قایل شویم. ما با ویژگیهای خاص کشورمان، از جمله ۶۰ میلیون نفر جمعیت و احتیاجات ارزی ویژه (با توجه به نوع صنعت و وابستگی مان به مواد و مصرف داخلی)، اگر برای این نیازهای ارزی منبع خاصی پیدا نکنیم و همچنان به یک منبع ارزی خاص تکیه کنیم (آن هم نفت، نفتی که به دلیل منابع ما، محدودیت هم دارد)، با نوسانهای آن، دچار نوسانهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خواهیم شد. این درست نیست که تنها یک بخش فعال باشد و سایر بخشها در سایه قرار گیرند. باید در کنار نفت به منابع صادراتی دیگری که داریم نیز توجه کنیم. مقوله صادرات غیرنفتی به دلایل مختلف باید رشد کند. چهاردهم درصد، حق ما از تجارت جهانی نیست، آن هم با نفت؛ سهم ما باید

بیش از اینها باشد. در شرایطی هستیم که می‌توانیم کار کنیم، منابع هم داریم و اگر کار نکنیم عقب می‌مانیم.

بحث اقتصاد گرچه ظریف و شیرین است اما گاه بسیار خشن و زمخت می‌نماید و بسیار قاطع عمل می‌کند؛ اگر تفهیم نشود، می‌فهمانند. ما اگر ابزارهای اقتصادی واقعی، منطقی، علمی و تجربه شده را برای یک واقعیت پذیرفته شده که همانا توسعه صادرات غیرنفتی باشد در اختیار نداشته باشیم با مسائل ناخوشایندی مواجه خواهیم شد. ما باید به صورت عملی در جهت توسعه صادرات غیرنفتی گام برداریم. سیاستهای پولی، ارزی و مالی ما به دلیل دوران‌گذار اولویت داشت و با عنایات خداوند، موفقیت آمیز هم بود ولی هم اکنون نیاز به کم کردن واردات و افزایش صادرات داریم. یعنی صادرات ما باید بیش از واردات ما باشد، ارزش افزوده ایجاد کنیم، از پتانسیل‌های سرمایه‌گذاری شده و از ماشین آلات در چند نوبت کاری استفاده کنیم تا با این کار فرصتهای شغلی ایجاد شود. امروزه تمام ارکان دولت به طور جدی، چه در سخن و چه در اجرا اعم از دولت، مجلس، و در مقام بالاتر رهبر معظم انقلاب هم، بر توسعه و بر صادرات غیرنفتی تأکید دارند؛ برای مردم هم باید به صورت یک باور ملی درآید و جزو فرهنگ مردم ما باشد.

در مورد بیمه نیک می‌دانیم که در بُعد فعالیتهای تجاری، عمرانی، اعتبار، سرمایه، ساختمانها و غیره، قبلاً تمامی امور و پروژه‌ها را شرکتهای خارجی انجام می‌دادند ولی امروز این توان در مملکت ما ایجاد شده که شرکتهای خودمان چه در داخل و چه در خارج، گامهای فنی و سرمایه‌گذاری بلندی برداشته‌اند و این به نفع بخشهای داخلی است. امیدواریم ارتباط بین بیمه و توسعه اقتصادی، نه فقط در بُعد صادرات بلکه در بُعد سرمایه‌گذاری، اشتغال، تجارت و جز آن به گونه‌ای پرتحرک‌تر و فراگیرتر جلوه‌گر شود.